بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد

دکتر علی محمد احمدي[1]
حسن محمدغفاري[2]
رضا وفايي يگانه[3]

مقدمه

اسلام توجه ويژه اي به عدالت اقتصادي دارد و ريشه اصلي بسياري از مشكلات را توزيع ناعادلانه درآمدها مي‌داند و اساس فرهنگ اسلامي به گونه‌اي است كه در آن به حل مشكلات مربوط به فقر و عدالت اجتماعي توجه ويژه اي شده است. در واقع كاهش نابرابري هاي مادي و رفع فقر در هر نظام اقتصادي سهم بسياري در برقراري عدالت اجتماعي ايفا مي كند. سياست‌هاي مناسب در دستيابي به عدالت اجتماعي براساس جريان وابسته‌اي كه كليه محورها و موضوعاتي كه با هم ارتباط نزديك و تنگاتنگ دارند، تحقق اهداف را نزديک‌تر خواهد ساخت. نكته اين‌جا است كه در جهت توزيع متعادل‌تر درآمد، همواره مناطق و نواحي گوناگون يا افراد جامعه يكسان بهره‌مند نمي‌شوند و اين باعث خواهد شد كه دستيابي به عدالت اجتماعي با وقفه طولاني‌تر امكان‌پذير شود. چنانچه افراد كم درآمد و فقير در اين فرايند از بهره‌مندي كافي برخوردار باشند مي‌توان ادعا كرد كه تحقق عدالت اجتماعي هموارتر شده است. در ادبيات عدالت اجتماعي برابري فرصت ها نقش مهمي در كاهش ناعدالتي در توزيع امكانات خواهد داشت. از سوي ديگر گروه هاي كم درآمد جامعه در وضعيتي قرار دارند كه توانايي كم تري در استفاده از فرصت هاي مالي را در اختيار دارن؛ از اين رو هر چه فرصت استفاده از امكانات مالي براي گروه هاي فقير و كم درآمد محقق باشد، تحقق عدالت اجتماعي عملي تر خواهد شد. مكتب اقتصادي اسلام با تحريم ربا، قرض‌الحسنه را به عنوان بهترين شيوه جايگزين براي ربا جهت استفاده از متقاضياني كه توانايي بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است كه ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوي قرض‌الحسنه داوطلبانه اقدام به انجام آن مي‌كنند. در اين شيوه امكان در اختيار قرار گرفتن امكانات مالي براي استفاده كنندگان از قرض الحسنه كه عمدتاً گروه هاي كم درآمد جامعه را تشكيل مي دهند فراهم مي گردد. بنابراين با رواج آن و گسترش اجزاء آن عملاً نابرابري‌هاي زياد درآمدي از بين مي‌رود. از اين رو مي توان گفت نظام اقتصادي اسلام قرض‌الحسنه را به عنوان يكي از شيوه‌ها و ابزارهاي مؤثر براي كاهش نابرابري توزيع درآمد در نظر گرفته است كه با برقراري جريان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات كم درآمد و ايجاد زمينه تغيير الگوي توليد، افزايش اشتغال و تأمين نيازهاي ضروري طبقات مزبور مي‌تواند در جهت تثبيت درآمدها بين نيازمندان و عدم تمركز ثروت نقش فعالي داشته باشد. آنچه كه در اين نوشتار در صدد انجام آن هستيم تبيين اين موضوع مي‌باشد.

اثر قرض بر توزيع درآمد

همان‌طور كه در قسمت‌هاي قبل توضيح داده شد توزيع مناسب درآمد يكي از اهداف نظام اقتصادي اسلام است و مكتب اسلام ريشه اصلي بسياري از مشكلات اقتصادي را توزيع ناعادلانه درآمدها مي‌داند؛ از اين

1. عضو هيئت علمي دانشگاه تربيت مدرس و رئيس پژوهشكده اقتصاد دانشگاه تربيت مدرس
2. دانشجوي كارشناسي ارشد رشته اقتصاد
3. كارشناس ارشد اقتصاد و پژوهشگر پژوهشكده اقتصاد دانشگاه تربيت مدرس

رو در اين مكتب عنايت ويژه‌اي به رفع اين معضل اجتماعي ــ اقتصادي شده است. قرض‌الحسنه از جمله نهادهايي است كه نظام اقتصادي اسلام توجه ويژه‌اي به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختياري و بدون توقع هيچ سودي اقدام به انجام آن مي‌كنند مي‌تواند نقش مؤثري در دست‌يابي به توزيع عادلانه داشته باشد.

در اسلام مردم تشويق به دادن قرض‌الحسنه شده‌اند و بدين وسيله بين دنيا و آخرت آن‌ها پيوند ايجاد شده است. اجر اخروي اين كار به عنوان يك انگيزه قوي در پرداخت قرض‌الحسنه نقش بسيار مهمي ايفا مي‌كند. قرض‌الحسنه به عنوان يك امر مستحب مطرح است و چنانچه بيشتر رعايت شود از دامنه فقر كاسته شده و به توازن اقتصادي نزديك‌تر مي‌شويم.

در قرض‌الحسنه ثروتمندان بخشي از درآمد قابل تصرف خود را جدا مي‌كنند و در يك دوره زماني معين به فقيران اختصاص مي‌دهند. اگر اين فعاليت استمرار يابد مي‌توان جريان مداوم ثروت از توانگران به نيازمندان را پيش‌بيني كرد. پس در هر مقطع زماني بخشي از درآمد ثروتمندان در اختيار نيازمندان قرار مي‌گيرد؛ هر چند در مقطع بعد بايد بازپرداخت شود. با چنين نگرشي مي‌توان گفت: در قرض‌الحسنه نوعي انتقال واقعي قدرت خريد به گروه‌هاي كم درآمد و خرج كردن آن در اقتصاد ملي وجود دارد.

البته اين روند زماني در تحقق عدالت اجتماعي آثار مثبت از خود بر جاي مي‌نهد كه با كشش پذيري عرضه و قابليت ظرفيت توليدي آزاد، در زمينه كالاهاي ضروري همراه باشد؛[٤] وگرنه با بالا رفتن تقاضا براي اين كالاها، سطح قيمت‌ها فزوني مي‌يابد و آثار توزيعي قرض خنثي مي‌شود. با توجه به اهداف دولت اسلامي در زمينه عدالت اجتماعي، دولت موظف است چنين قابليت‌هايي را پديد آورد.

طبق اصل پيگو و براساس قانون نزولي بودن مطلوبيت نهايي درآمد، آخرين واحدهاي درآمدي براي افراد پر درآمد از مطلوبيت كم‌تري برخوردار است. در مقابل آخرين واحدهاي درآمدي براي افراد كم درآمد از مطلوبيت بيش‌تري برخوردار است؛ بنابراين صاحبان درآمدهاي بالا در جدا شدن بخش مزبور از درآمدهاي‌شان و انتقال آن به گروه‌هاي پايين درآمدي، حساسيت چنداني نشان نمي‌دهند.[٥] حال با توجه پاداش معنوي‌اي كه براي قرض‌الحسنه در نظر گرفته شده است ثروتمندان انگيزه بيش‌تري در پرداخت قرض‌الحسنه از خود نشان مي‌دهند. پرداخت قرض‌الحسنه در اين شرايط ضمن اين‌كه مطلوبيت كل جامعه از افزايش مي‌دهد، كاهش فقر و بهبود وضعيت توزيع درآمد را به دنبال خواهد داشت.

آنچه كه در قرض‌الحسنه اهميت پيدا مي‌كند نقش بيش‌تر بخش خصوصي و اتكاي كم‌تر به دولت در تأمين نيازمندان و ايجاد توازن اقتصادي است.[٦] در واقع نهاد قرض‌الحسنه را مي‌توان جزء نهادهاي خصوصي مشاركت مردم در تأمين اهداف اقتصادي دانست.[٧] در اين نهاد قرض گيرندگان كساني هستند

---

[٤]. علي‌اصغر هادوي‌نيا، «ارزيابي عملكرد صندوق‌هاي قرض‌الحسنه در ايران» مجموعه مقالات سومين همايش دو سالانه اقتصاد اسلامي، دانشگاه تربيت مدرس، تهران ١٣٨٢.

[٥]. يدا... دادگر، اقتصاد بخش عمومي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم ١٣٨٠، ص٣٣.

[٦]. سيد حسين ميرمعزي، «ترسيم نظام اقتصادي اسلام براساس مكتب اقتصادي آن از ديدگاه امام خميني»، مجله نامه مفيد، ش١٤، ص٢١٤.

[٧]. همان، ٢٠٦.

كه اولاً: به پول يا سرمايه غير نقدي يا كالا، نيازمندند و ثانياً: قدرت بازپرداخت قرض خود در آينده را دارند. بر خلاف صدقه گيرندگان كه قدرت بازپرداخت را به هيچ وجه ندارند. قرض دهندگان نيز كساني هستند كه با مازاد درآمد روبرو بوده و مايلند بدون انگيزه سود، منافع اين مازاد را ايثار كنند.۸ قرض دهندگان هم‌چنين مي‌توانند شامل كساني باشند كه از توان مالي لازم براي قرض دادن برخوردار نيستند و با ايجاد صندوق‌هاي تعاون قرض و همياري، امكان قرص دادن را فراهم مي‌آورند. بر اين اساس اين نهاد براي تحقق دو هدف اعتلاي معنوي و عدالت اقتصادي، وضع شده است.

چون قرض بعد از تحقق توزيع درآمد توسط مكانيسم بازار و نيز بعد از اجراي سياست‌هاي مالي دولت و سياست‌هاي توزيع مجدد درآمدها مطرح مي‌باشد، وام دهنده به تخصيص درآمد قابل تصرف و يا همان درآمد شخصي خود اقدام مي‌كند. از سوي ديگر در بررسي مسأله نابرابري توزيع درآمد، تنها با توزيع شخصي يا مقداري درآمد سر و كار داريم. بنابراين بهتر است براي بررسي الگوي توزيع درآمد از درآمد قابل تصرف استفاده گردد.

تحريم ربا، جايگاه قرض‌الحسنه و توزيع درآمد

در نظام اقتصاد اسلامي تحصيل درآمد از طريق رباي قرضي و معاملي وجود ندارد. اين مسأله تأثير زيادي در توزيع عادلانه درآمد حاصل از توليد بين عوامل شركت كننده در آن را دارد.۹ يكي از مفاسد مهم ربا اين است كه درتأمين سرمايه براساس آن، صاحب كار اقتصادي با قطع نظر از عملكرد فعاليت اقتصادي متعهد به بازپرداخت اصل و فرع وام بانكي است كه باعث به وجود آمدن متغيري «برون زا» در اقتصاد شده، درآمدي خارج از عملكرد بخش حقيقي اقتصاد شكل مي‌گيرد كه خود آثار سويي چون ناعادلانه شدن توزيع درآمدها و تورم را به دنبال دارد و توازن اقتصادي كشور را در هم مي‌كوبد.۱۰ براي اثبات اين مطلب به بخشي از مطالب مندج در كتاب «پول، بهره، بحران‌هاي اقتصادي ــ اجتماعي» نوشته هلموت كرويتس اشاره مي‌كنيم.۱۱ كرويتس مي‌نويسد: در سال‌هاي ۱۹۷۶ و ۱۹۸۷ به رغم كاهش نرخ بهره، درآمد بهره بانك‌ها افزايش يافت. در سال ۱۹۹۳ بانك‌ها با كسب ۴۳۱ ميليارد مارك حدود نه برابر ۱۹۷۰ درآمد بهره داشتند در حالي كه در همين فاصله زماني توليد ناخالص ملي تنها ۴/۲ برابر شده است.۱۲

در واقع خاصيت تقسيم ناعادلانه ثروت به وسيله بهره چنين است كه در آغاز، همه به يك اندازه پول در اختيار دارند ولي در پايان بازي تنها يك نفر و يا يك عده كمي، پول زيادي در اختيار دارند؛ حال آن كه

---

[۸] . همان ص ۲۰۶ــ ۲۰۸.

[۹] . سيد حسين ميرمعزي، پيشين، ص۲۱۴.

[۱۰] . سيد عباس موسويان، «بهره بانك هاي دولتي»، مجله نامه مفيد، ش۱۴، ص ۲۲۶.

[۱۱] . هلموت كرويتس، پول، بهره، بحران‌هاي اقتصادي ــ اجتماعي، ترجمه حميد رضا شهميرادي، چاپ اول: كانون انديشه جوان، تهران۱۳۷۸.

[۱۲] . همان، ص۹۸.

ممكن است عده‌اي هيچ پولي در اختيار نداشته باشند. ريشه اصلي اين جابجايي ناعادلانه، نظام بهره است.[۱۳]

در سيستم بانك‌داري اسلامي بخشي از سپرده‌هاي پس‌انداز را تحت عنوان سپرده‌هاي پس‌انداز قرض‌الحسنه در نظر گرفته‌اند. اين سپرده‌ها شامل مبالغي هستند كه پس‌انداز كنندگان به بانك مي‌پردازند و در واقع براي خود حساب باز مي‌كنند و حق دارند در هر زمان ميزان معيني از حساب خويش برداشت كنيد. در سيستم بانك‌داري قسمتي از اين سپرده‌ها را به صورت اندوخته نگهداري مي‌كنند و از وجوه باقيمانده استفاده مالي مي‌نمايند. علت انجام اين عمل آن است كه تمام صاحبان حساب به طور هم‌زمان تقاضاي دريافت پول خود را نخواهند كرد.[۱٤] همان‌طور كه از نام اين حساب پيداست اين حساب جنبه قرض‌الحسنه دارد و وجوه باقيمانده آن بايد در جهت مصارف قرض‌الحسنه و بدون اخذ نرخ بهره در جهت مصارف قرض‌الحسنه استفاده گردد. پس قرض‌الحسنه مي‌تواند در سيستم بانك‌داري اسلامي نيز به صورتي كاملاً نظام‌مند دايز شده و به تأمين مالي نيازمندان كمك كند.

همان‌طور كه قبلاً گفته شد استفاده از قرض‌الحسنه براي تامين مالي، چه در سيستم بانك‌داري اسلامي و چه به صورت شخصي توسط خود افراد، زماني صورت مي‌گيرد كه فرد وام گيرنده توانايي بازپرداخت سود را ندارد؛ بنابراين چنانچه قرض‌الحسنه عوايدي را براي شخص وام گيرنده در بر داشته باشد به دليل اين كه قرض گيرنده ملزم به پرداخت نرخ سود نمي‌باشد تمام عوايد حاصل از قرض براي وي باقي مانده و در كل وضعيت درآمدي اين گروه از جامعه بهبود مي‌يابد. بنابراين قرض‌الحسنه به عنوان يكي از ابزارهاي مناسبي كه جهت تحقق روش كلي «حرمت ربا» مطرح شده است مي‌تواند نقش مؤثري در كاهش نابرابري‌هاي در توزيع درآمد در نظام اقتصادي غير ربوي داشته باشد.

قرض الحسنه و كاهش هزينه هاي توليد

از ديدگاه اقتصاد خرد توليدكننده هميشه در پي حداكثر كردن سود اقتصادي است. سود مابه التفاوت درآمد كل و هزينه كل به شمار مي رود. اين سود، هنگامي به حداكثر مي رسد كه قيمت محصول، با هزينه نهايي برابر باشد P=MC. حال اگر پروسه توليد را بلند مدت فرض كنيم، يكي از اقلام تشكيل دهنده هزينه نهايي هزينه نهايي (MC)، نرخ بهره است كه توليدكننده به ازاي هر واحد اضافي مي پردازد. اين نرخ بهره طبق نمودار شماره (۱) به دست مي آيد.

---

[۱۳] . همان، ص۷۰.

[۱٤] . رضا اكبريان، «تحليل از مفاهيم بهره و سپرده‌گذاري در اقتصاد اسلام» مجموعه مقالات سومين همايش دو سالانه اقتصاد اسلامي، دانشگاه تربيت مدرس، تهران۱۳۸۲، ص۵۱۹.

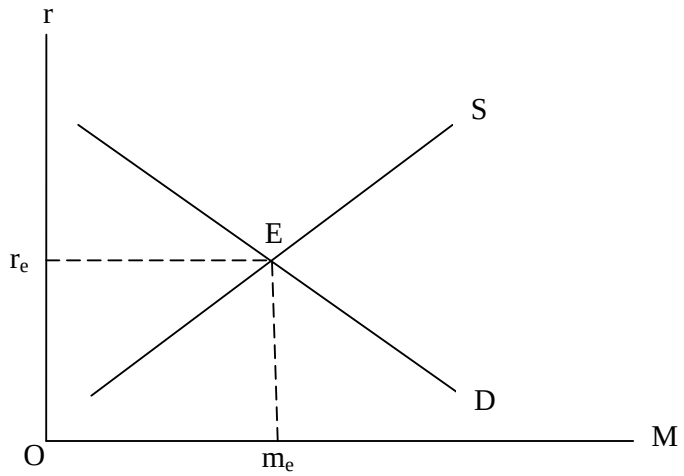

نمودار (۱)

۱. این نمودار نرخ بهره تعادلي در نظام بهره را بر اساس الگوي كينزي يا نئوكلاسيک ها نشان مي دهد. اگر S و D به ترتيب، منحني عرضه و تقاضاي پول باشد، نمودار بازار پول بر اساس نظريه رجحان نقدينگي كينز را نشان مي دهد، و اگر كل وجوه عرضه شده و كل وجوه تقاضا شده براي استقراض باشد، الگوي وجوه استقراض نئوكلاسيک را مي نمايانند. محل تقاطع منحني هاي S و D، نرخ بهره تعادلي(re) را مشخص مي سازد. حال اگر توليدكننده بر اساس وام دريافتي كه به ازاي آن، نرخ ثابت و معيني را مي پردازد، وارد توليد كالا شود، هزينه هاي توليدي او به ميزاني كه نرخ بهره مي پردازد، بالا خواهد رفت؛ در صورتي كه اگر به جاي نرخ بهره از«قرض الحسنه» به عنوان جايگزين استفاده كند، اين بخش از هزينه ها حذف شده؛ در نتيجه توابع هزينه به همان اندازه (Cr) كاهش مي يابد. مطابق نمودار، هزينه نهايي (MC۱) و متوسط (AC۱) توليدكننده استفاده كننده از قرض الحسنه در هر سطحي از توليد، از توليدكننده استفاده كننده از وام با بهره (ACo , MCo) پايين تر است و اثر آن در دو مسأله مهم پديدار مي شود[۱۵]

[۱۵] علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانکداری از نظریه تا سیاستگذاری، ص۲۱۸.

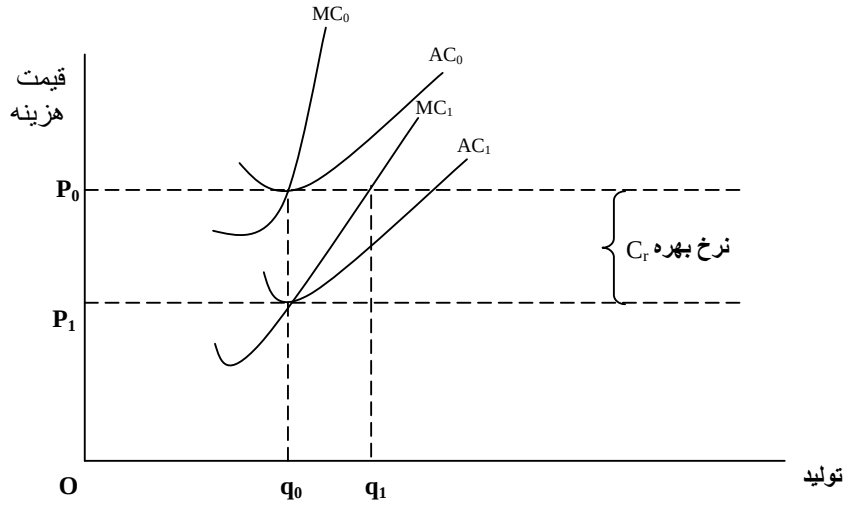

نمودار (۲)

توليدكننده استفاده كننده از قرض الحسنه در سطح قيمت Po مي تواند توليد خود را تا سطح q o افزايش دهد؛ در حالي كه چنين امكاني براي توليدكننده استفاده كننده از وام بهره اي وجود ندارد.

اگر قيمت بازار براي كالاهاي مورد نظر به عللي، كاهش يابد و از سطح Po به P1 برسد، تعطيلي براي توليدكننده استفاده كننده وام بهره اي اجتناب ناپذير است؛ در حالي كه توليدكننده استفاده كننده از قرض الحسنه مي تواند تا قيمت P1 به توليد ادامه دهد. اين توضيح لازم است كه تحليل پيشين بر اساس هزينه هاي تحقق يافته است، نه بر اساس هزينه فرصت؛ چرا كه هزينه فرصت، به نوع تأمين مالي ارتباط ندارد. به عبارت ديگر براي تصميم به سرمايه گذاري براي توليد ملاک هزينه هاي فرصت است و چه بسا اين هزينه ها در هر دو شيوه تأمين مالي تفاوتي نداشته باشد؛ اما در مقام عمل هزينه هاي تحقق يافته براي توليدكننده پاييين بوده، در نتيجه در عرصه اقتصاد واقعي به ويژه در مقام رقابت، نه از جهت مقدار توليد و قيمت فروش، انعطاف پذيري بيش تري دارد و استوارتر خواهد بود. [۱۶]

[۱۶] ایرج توتونچیان، چهارمین سمینار بانکداری اسلامی، ص۹۶.

اما همان طور که قبلاً گفته شد، استفاده از قرض الحسنه براي تأمين مالي، چه در سيستم بانکداري اسلامي و چه به صورت شخصي توسط خود افراد، زماني صورت مي گيرد که فرد وام گيرنده توانايي بازپرداخت سود را ندارد؛ بنابراين آنچه در مورد کاهش هزينه هاي توليد گفته شد تنها به واحدهاي کوچک توليدي که امکان بازپرداخت سود را ندارند و يا افرادي از گروه هاي پايين درآمدي که قصد احداث واحدهاي توليدي کوچک و يا متوسط را دارند تعلق مي گيرد. پس استفاده از وام هاي قرض الحسنه براي اين دسته از توليدکنندگان به دو صورت بر توزيع درآمد مؤثر است: اولاً: با توجه به افزايش قدرت رقابت از جهت مقدار توليد و قيمت فروش و افزايش انعطاف پذيري واحدهاي توليدي مذکور، امکان حضور، بقا و تداوم اين توليدکنندگان در عرصه اقتصاد واقعي افزايش مي يابد. بنابراين با تداوم جريان درآمدي اين بنگاه ها و کسب سود توسط آن ها با توجه به اين که توليدکنندگان مذکور را عموماً گروه هاي پايين درآمدي تشکيل مي دهند، توزيع درآمد تدريجا بهبود مي يابد. ثانياً: با تثبيت سود حاصل از فعاليت هاي اقتصادي در بين گروه هاي پايين درآمدي که قبلاً به صورت نرخ بهره به صاحبان سرمايه ها و پس اندازها تعلق مي گرفت، توزيع درآمد در ميان اين افراد بهبود مي يابد.

کاهش هزينه توليد طبق آنچه که توضيح داده شد، افزايش سرمايه گذاري و افزايش توليد را در بر دارد. در واقع آن دسته از گروه هايي که قبلاً به دليل بالا بردن هزينه هاي توليد و عدم دسترسي به منابع تأمين مالي ارزان امکان توليد و سرمايه گذاري را نداشتند حال با استفاده از منابع قرض الحسنه به توليد روي مي آورند، در نتيجه استفاده از قرض الحسنه در تأمين مالي اين بنگاه ها به افزايش توليد مي انجامد. اثر اقتصادي ديگر افزايش سرمايه گذاري که در حقيقت بر افزايش توليد پيشي دارد، افزايش اشتغال نهاده هاي توليدي است. در پين افزايش تقاضاي سرمايه گذاري، زمينه براي فعال شدن ديگر منابع توليد مثل زمين، مواد اوليه، نيروي انساني و ... که بدون استفاده باقي مانده بودند، فراهم مي آيد.

با توجه به مطالب پيشين انتظار داريم با جايگزيني سيستم تأمين مالي قرض الحسنه در برخي موارد به جاي سيستم تأمين مالي نظام بهره و يا سيستم مبتني بر سود، در پي بالارفتن اشتغال و توليد کل، عرضه کل نيز افزايش يافته، به سمت راست منتقل مي شود.[۱۷](نمودار شماره ۴)

[۱۷] .سید عباس موسویان، آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت بع جای نظام بهره، فصلنانه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، شماره ۵.

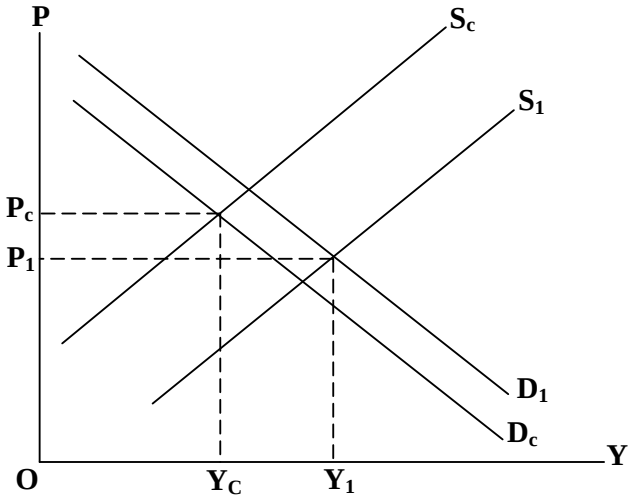

(نمودار۳)

اين مطالب از ديدگاه خرد هم قابل توجيه است. چون با كاهش هزينه ها (خذف هزينه بهره، توليد هر بنگاه فزوني گرفته، با انتقال منحني عرضه به وضعيت S_1، سطح عمومي قيمت ها كاهش مي يابد؛ البته در اثر بالا رفتن اشتغال كه خود منجر به بهبود توزيع درآمد مي گردد، انتظار داريم كه منحني تقاضاي كل به سمت راست (D_1) منتقل شود؛ اما در مجموع قيمت ها پايين مي آيد.[۱۸]

قرض، سرمايه انساني و توزيع درآمد

سرمايه انساني از جمله زمينه‌هاي مهمي است كه اقدامات عمومي در آن مي‌تواند منجر به تفاوت بزرگ در توزيع درآمدها شود. بازدهي اجتماعي اين كار بسيار بالاست و سرمايه‌گذاري در زمينه آن به افزايش بهره‌وري نيروي كار، و به تبع آن بالا رفتن درآمد ملي و كاهش نابرابري توزيع درآمد منجر مي‌شود.[۱۹] سرمايه‌گذاري در انسان ظرفيت‌هاي كسب درآمد انسان در آينده را افزايش مي‌دهد.[۲۰] تحقيقات متعدد نشان مي‌دهد كه افراد تحصيل كرده نسبت به كساني كه از تحصيلات كم‌تري برخوردارند. در طول سال ساعات بيشتري را به كار مشغولند و از درآمدها و امكانات بيشتري برخوردارند هم‌چنين مي‌توان از مطالعات انجام گرفته چنين نتيجه گرفت كه ارتباطي مستقيم بين سرمايه انساني اعضاي خانوار و تحرك اقتصادي خانوار برقرار است. هر چه سطح سواد و تخصص اعضاي خانوار بالاتر باشد، تحرك اقتصادي

---

[۱۹] . حميد ابريشمي، اقتصاد ايران، چاپ اول: علمي و فرهنگي، تهران ۱۳۷۵، ص۲۵۵.

[۲۰] . صادق بختياري، پيشين، ص۶۲.

خانوار بيش‌تر است و خانوار از احتمال ارتقاي موقعيت درآمدي بالاتري برخوردار است.[۲۱] اسلام نيز در زمينه تحقق عدالت اجتماعي و توسعه پايدار توجه ويژه‌اي به تشويق علم و فضيلت عالم و اهميت دادن به نقش سرمايه انساني از خود نشان داده است.[۲۲]

نقشي كه در اين جا مي‌توان براي قرض‌الحسنه در نظر گرفت، استفاده از قرض‌الحسنه در زمينه پرداخت وام‌هاي بدون بهره و يا با كارمزد پايين براي دانشجويان و كساني است كه مايلند دوره‌هاي مختلف آموزشي را بگذرانند اما توانايي مالي استفاده از آن را ندارند. اين افراد مي‌توانند با بهره‌مندي از وجوه قرض‌الحسنه در دوران تحصيل و استفاده از آن، پس از اتمام دوران تحصيلات خود و يافتن شغل و يا ارتقاي شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام كنند. بنابراين قرض‌الحسنه به عنوان عاملي كه مي‌تواند در دوره‌اي از زمان ظرفيت كسب درآمد افراد خانواده‌ها را دست خوش تغيير قرار دهد و تحرك اقتصادي خانوار را افزايش دهد، مي‌تواند در بهبود توزيع درآمد مؤثر باشد. البته سرمايه انساني حتي اگر به صورت عادلانه‌اي در ميان تمام جمعيت پخش شده باشد، اما ثروت‌هاي طبيعي و مادي در دست تعداد محدودي جمع باشد، درآمد به طور كلي نابرابر توزيع خواهد شد و توسعه انساني چندان موفق نخواهد بود.[۲۳]

قرض، اشتغال و توزيع درآمد

مطالعات انجام گرفته در زمينه ارتباط اشتغال و توزيع درآمد نشان مي‌دهند عموماً بيكاري باعث افزايش پراكندگي درآمدها مي‌شود و كاهش در بيكاري، پراكندگي درآمدها را كاهش مي‌دهد.[۲۴] اشتغال براي افراد جامعه منبعي از درآمد را فراهم مي‌آورد و كاركنان را قادر مي‌سازد در فعاليت‌هاي اجتماعي شركت كنند و مولد ارزش باشند و در نتيجه به آن‌ها احساس عزت و اعتبار مي‌بخشد. ضمن اين‌كه اشتغال براي برداشت كامل از فايده‌هاي سرمايه‌گذاري در نيروي انساني ضروري است و در صورت نبود اشتغال افراد نمي‌توانند از نيرو، مهارت، قدرت ابتكار و دانش‌شان به درستي بهره گيرند و بازدهي سرمايه انساني پايين خواهد آمد.[۲۵] از اين رو نقش اشتغال در كاهش نابرابري توزيع درآمد بيش از گذشته آشكار مي‌شود. البته كاهش بيكاري تنها زماني مي‌تواند تأثير مثبت بر توزيع درآمد داشته باشد كه به طور وسيع و يا حتي در حد محو بيكاري دائم انجام شود؛ كه در اين صورت ساختار اقتصاد تغير كرده و زمينه‌اي مناسب براي كاهش نابرابري فراهم مي‌آيد.[۲۶]

مطالعات نشان مي‌دهد كه بازارهاي سرمايه به خصوص در كشورهاي در حال توسعه، به خوبي عمل نمي‌كنند. به خصوص گروه‌هاي كم درآمد كه در برابر رويدادهاي غير منتظره از همه آسيب پذيرترند و

---

[۲۱] . مسعود نيلي، اقتصاد ايران، چاپ اول: مؤسسه عالي پژوهش در برنامه ريزي و توسعه، تهران ۱۳۷۶، ص۱۴۷.

[۲۲] . صادق بختياري، پيشين، ص۸۷.

[۲۳] . كيت گريفين و تري مك كنلي، توسعه انساني (ديدگاه و راهبرد)، ترجمه غلام رضا خواجه پور، چاپ اول: وداد، تهران۱۳۷۷، ص۱۷۳.

[۲۴] . ژاك لوكايون و ديگران، بررسي تحليلي توزيع درآمد و توسعه اقتصادي، ترجمه احمد اخوي، چاپ اول: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني، تهران ۱۳۷۳،ص ۱۳۱.

[۲۵] . كيت گريفين و تري مك كنلي، پيشين، ص ۱۴۱-۱۴۰.

[۲۶] . . ژاك لوكايون و ديگران، پيشين، ص۱۳۱.

كم‌ترين دسترسي را به بازار اعتبارات دارند.[۲۷] از سوي ديگر بررسي‌ها نشان مي‌دهند كه گـاهي اعتبارهـاي مالي نظير تأمين سرمايه در گردش فعالان اقتصادي ــ به ويژه كشاورزان و توليدكنندگان صنايع دسـتي ـــ به افزايش حجم توليد و رشد درآمدها كمك شاياني در جهت افزايش قدرت تأمين مالي به موقـع ديـون و تأمين مواد اوليه و مانند آن‌ها مي‌توانند داشته باشند.

صندوق‌هاي قرض‌الحسنه توليدي در جهت ايجاد اشتغال و بالا رفتن توليد اهميت بسـيار دارنـد. در واقـع چنين ابزاري مي‌تواند سبب استفاده از انگيزه‌هاي معنوي و اخروي در كاهش بيكاري و نيز افزايش توليـد شود.[۲۸] اين صندوق ها مي‌توانند در جهت تأمين سرمايه‌هاي اوليه توليد و تجارت ـ البتـه امـور توليـدي كوچك ـ و تأمين سرمايه در گردش و هم‌چنين قرض دادن ابزار توليد به توليدكننـدگان كوچـك، فعاليـت داشته باشند و در ايجاد و تداوم اشتغال مؤثر باشد. ضمناً اين قبيل وام‌ها عمدتاً با افزايش نسبت افراد فعال به غير فعال، به تعداد دريافت‌كنندگان درآمد مي‌افزايد. به همين جهت مي‌توانـد در توزيـع درآمـدها مـؤثر باشد.[۲۹]

قرض، الگوي مصرف، الگوي توليد و توزيع درآمد

مازاد تقاضا براي كالاهاي اساسي، از قبيل غـذا، سـوخت، پوشـاك و مسـكن، معمـولاً بـه عنـوان يكـي از پيامدهاي عمده توزيع مجدد سريع درآمدها در نظـر گرفتـه مـي‌شـوند.[۳۰] ايـن مسـأله مـي‌توانـد در مـورد قرض‌الحسنه نيز رخ دهد. چنانچه مبلغ پرداخت شده به قرض گيرنده در جهـت تـأمين كالاهـاي مصـرفي وي هزينه گردد باعث افزايش تقاضا مي‌گردد؛ زيرا اين احتمال وجود دارد كه قرض دهنـدگان در صـورت عدم پرداخت قرض، كم‌تر به مصرف مبلغ قرض اقدام كنند و بيش‌تر به پس‌انداز مبلغ مزبور بپردازنـد. امـا از آن جا كه قسمت اعظم نيازهاي مصرفي نيازمندان را كالاهاي ضروري تشكيل مي‌دهند، مي‌تـوان انتظـار داشت كه افزايش تقاضا بيش از همه در كالاهاي ضروري ديـده شـود. بنـابراين از ايـن كـه ممكـن اسـت كمك‌هاي قرض‌الحسنه در كوتاه مدت موجب افزايش قيمت‌ها گردد بايد هراسان بود. البته ميزان اوليه اين تقاضاي اضافي بسته به ميزان تركيب تقاضاست كه بر اثر تركيب درآمدها صورت گرفته است. به اين معني كه براي هر ميزان توزيع درآمد معين، مازاد تقاضا براي كالاهاي اساسي با توجه به تفاضل ميـل نهـايي بـه مصرف كساني كه از توزيع مجدد سود برده‌اند و كساني كه از اين امر زيان ديده‌اند تغيير خواهد كرد.[۳۱]

---

[۲۷] . كيت گريفين و تري مك كنلي،پيشين، ص۱۷۳.

[۲۸] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، پيشين، ص۲۴۲.

[۲۹] . مهدي راهب، تأمين اجتماعي، چاپ پنجم: دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد ۱۳۷۷،ص۱۸۶-۱۸۵.

[۳۰] . كيت گريفين و تري مك كنلي، پيشين، ص۲۳.

[۳۱] . همان، ص۲۴.

ادامه نتايج حاصل از گسترش قرض‌الحسنه علاوه بر اين كه باعث تثبيت تقاضا مي‌گردد انگيزه‌ها براي سرمايه‌گذاري بيش‌تر در توليد كالاهاي ضروري را افزايش مي‌دهد[۳۲] و حتي به دليل كاهش تقاضاي كالاهاي لوكس، بسياري از منابع توليد كالاهاي مزبور به سوي توليد كالاهاي ضروري سوق داده مي‌شود.
آثار القايي افزايش تقاضا براي كالاهاي ضروري ــ و هم‌چنين كاهش تقاضاي كالاهاي لوكس ــ نتايج زير را در بر دارد:

۱- با توجه به اين‌كه كالاهاي ضروري در مقايسه با كالاهاي لوكس از نسبت كاربري بيش‌تري برخوردارند و برخلاف كالاهاي لوكس كه بيش‌تر وارداتي هستند، عمدتاً در داخل كشور توليد مي‌شوند؛ مي‌توان انتظار داشت با افزايش توليد اين كالاها، اشتغال به ميزان قابل توجهي افزايش يابد.
۲- با ادامه اين روند الگوي توليد كشور متناسب با نيازهاي كشور جهت پيدا مي‌كند.[۳۳]
۳- بخشي از درآمدهاي ارزي كشور كه صرف واردات كالاهاي لوكس مي‌شد، صرفه جويي مي‌شود وتراز پرداخت‌ها بهبود خواهد يافت.

در چنين شرايطي تغير الگوي توليد آثار ثانويه‌اي خواهد داشت كه در جهت برابر سازي توزيع درآمد عوامل توليد و تقويت آثار اوليه انتقال درآمد به وسيله قرض‌الحسنه، عمل خواهد كرد.

قرض،تورم و توزيع درآمد

به قرض تورم تعلق نمي‌گيرد و در قراردادهاي مالي قرض در بانك‌داري اسلامي از هزينه‌هاي اداري وام و فعاليت‌هاي بانك چشم‌پوشي مي‌كنند.[۳٤] يعني قرض گيرنده تنها موظف است مبلغ اسمي قرض كه در ابتداي دوره دريافت كرده است را بازپرداخت نمايد. شخص يا مؤسسه مالي كه وجوهي را براي مدتي به كسي قرض‌الحسنه مي‌دهند در واقع از هزينه فرصت پول خود صرف نظر مي‌كنند. گيرنده قرض كه در واقع فرد نيازمندي است با خريد كالاها و خدمات مورد نياز خود به هنگام دريافت قرض از مابه‌التفاوت قيمت كالاها و خدمات مزبور به دليل رشد قيمت‌ها در دوره قرض برخوردار مي‌گردد؛ زيرا در صورت نبود قرض بايد با پس‌انداز كردن پول خود در انتهاي دوره اقدام به خريد كالاي مزبور مي‌كرد كه به دليل وجود پديده رشد قيمت‌ها متضرر مي‌گرديد. اما اكنون به دليل استفاده از منابع قرض‌الحسنه منفعتي از محل رشد قيمت‌ها عايد وي شده است كه در پايان دوره قرض مجبور به بازپرداخت آن نمي‌باشد.
قرض گيرنده هم‌چنين مي‌تواند با دريافت مبلغ قرض و اقدام به خريد كالاها و خدمات در ابتداي دوره قرض از مابه‌التفاوت قيمت نقد و نسيه نيز بهره‌مند گردد.[۳۵] زيرا در صورت نبود قرض، با توجه به

---

[۳۲] . مهدي راهب، تأمين اجتماعي، چاپ پنجم: دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد۱۳۷۷، ص۱۸۶.
[۳۳] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، پيشين، ص۱۴۶.
[۳٤] . منوّر اقبال، «بانكداري اسلامي» درس‌هايي در اقتصاد اسلامي، ترجمه مجيد حبيبيان نقيبي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم ۱۳۸۴، ص ۴۴۷.
[۳۵] . سيد عباس موسويان، «طرحي براي ساماندهي صندوق‌هاي قرض‌الحسنه»، مجله اقتصاد اسلامي، ش۱۶،ص۴۵.

ضروري بودن كالاي مزبور براي وي، ناچار بود كالاها و خدمات را به صورت نسيه به قيمتي بالاتر بخـرد كه با دريافت قرض چنين اتفاقي نيفتاده است.

قرض، كاهش انحصارات و توزيع درآمد

طبق دستورات اسلام همه افراد، حق برابر در به دست آوردن منابع و ثروت‌هاي اوليه توليد نظيـر معـادن و امكانات اوليه توليدي دارند و هر كس مطابق ميزان توانايي و تلاشش مي‌تواند از ايـن منـابع بهـره ببـرد.[۳۶] اسلام در تمام مواردي كه منافع امت يا بخشي از آن در معرض خطر قرار دارند از جملـه انحصـارات كـه توازن اجتماعي اقتصادي را به خطر اندازند مخالفت كرده و در برخي موارد ابتكار عمل را به دست دولـت مي‌سپارد.[۳۷] نظام اقتصادي اسلام ابزارهاي مناسـبي را بـراي جلـوگيري از انحصـار در نظـر گرفتـه اسـت. قرض‌الحسنه از جمله مواردي است كه علاوه بر اين كه زمينه تحقق انحصار را فراهم نمي‌آورد؛ بـا انتقـال موقت مالكيت به طبقه نيازمندان در واقع يكي از عوامـل پيـدايش انحصـار، كـه مالكيـت اسـت، را خنثـي مي‌كند.[۳۸] ضمناً از آن جا كه در قرض‌الحسنه خصوصي انتقـال مالكيـت بـه دولـت نيـز تحقـق نمـي‌يابـد، برخلاف سيستم‌هاي توزيعي مالياتي، انحصار دولتي نيز پديد نمي‌آيد.

مكانيسم عملكرد صندوق‌هاي قرض‌الحسنه و توزيع درآمد

نهاد قرض‌الحسنه مي‌تواند در دو سيستم مختلف به اجرا درآيد كه از جهت كيفيت و كميت آثار تفاوت‌هاي بسيار دارند.

صندوق تعاون قرض: در اين سيستم قرض دهندگان كه از يك طبقه درآمدي هستند، وجهي را به عنوان سپرده در اختيار صندوق قرار مي‌دهند تا پس از جمع‌آوري، در صورت تحقق شرايط معين به اعضا وام داده شود.

صندوق معاونت قرض: در اين سيستم قرض دهندگان از طبقات درآمدي بالاتري هستند و جهت ياري رساندن به طبقات پايين‌تر درآمدي، با مسدود كردن موقت يا دائمي نقدينگي خود، آن‌ها را در اختيار صندوق قرار مي‌دهند تا به افراد خاص يا به افرادي كه صندوق تشخيص مي‌دهد، قرض بدهند.۳۹

صندوق تعاون قرض به افراد عضو اين امكان را مي‌دهد كه پس‌اندازهاي كوچك را به صورت كارايي در جهت رفع نيازهاي اساسي خود به كار گيرند. به همين سبب با اتخاذ چنين شيوه‌اي طبقات كم درآمد

---

[۳۶] . سعيد طاهر، «توزيع در اسلام» درس‌هايي در اقتصاد اسلامي، ترجمه محمد رضا يوسفي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم ۱۳۸۴، ص ۳۷۹.

[۳۷] . منذر قحف، «نقش اقتصادي دولت در اسلام» درس‌هايي در اقتصاد اسلامي، ترجمه محمد تقي گيلك حكيم آبادي، پيشين، ص۲۰۲.

[۳۸] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، پيشين، ص ۱۴۷.

[۳۹] . علي‌اكبر كميجاني و علي‌اصغر هادوي‌نيا، «درآمدي بر جايگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادي آن»، مجله نامه مفيد، ش ۱۴، ص ۲۳۸.

امكان استفاده بيش‌تر از امكانات موجود را پيدا مي‌كنند و فاصله بين فقير و غني كاسته مي‌شود. بنابراين صندوق مزبور از اين جهت در كاهش فقر نسبي مؤثر است.

در نهاد معاونت قرض با توجه به اين كه ثروتمندان اقدام به قرض دادن مي‌كنند رفع فاصله طبقاتي و ايجاد توازن اقتصادي از دو جهت صورت مي‌گيرد. نخست اين كه با اين اقدام امكان تصرف اغنيا كاهش يافته و در نتيجه از روند تشديد فاصله طبقاتي كاسته مي‌شود. دوم اين‌كه با استفاده وجوه در ايجاد امكانات براي طبقات كم درآمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتي موجود كاسته مي‌شود. از اين جهت صندوق‌هاي معاونت قرض در زمينه فقرزدايي مي‌توانند تأثير بيشتري داشته باشند.[٤٠]

همان‌طور كه گفته شد، قرض با رعايت احترام به مالكيت خصوصي اعطا كننده وجوه و به اختيار و انتخاب او چنين رفتاري صورت مي‌گيرد. در واقع مصرف‌كننده مسلمان، درآمد خود را با توجه به مطلوبيت‌هاي مختلف به مصرف خود و خانواده، سرمايه‌گذاري و مصرف نيازمندان جهت بهره‌مندي از ثواب معنوي و اخروي تقسيم مي‌كند.[٤١]

اثر قرض بر توزيع درآمد از دو نگرش خرد و كلان قابل بررسي است. در نگرش خرد به جنبه مصرفي قرض توجه مي‌شود كه بر طبق آن شخص با در اختيار داشتن مبلغ قرض در ابتداي دوره به زمان مصرف خود مي‌افزايد و در انتهاي دوره نسبت به بازپرداخت قرض اقدام مي‌كند. در صورتي كه اگر قرض وجود نمي‌داشت فرد بايد صبر مي‌كرد تا با پس انداز كردن در انتهاي دوره اقدام به رفع نياز خود مي‌كرد كه به اين ترتيب از دوره مصرفي او كاسته مي‌شود.[٤٢] توجه به استفاده قرض‌الحسنه توليدي، به خصوص قرض دادن ابزار توليد در امور توليدي كوچك و هم‌چنين تأمين سرمايه در مورد سرمايه‌هاي كوچك براي آغاز توليد و تجارت، نيز مي‌تواند مطرح گردد.

در نگرش كلان بايد به نوع سيستم قرض توجه نمود. چنانچه صندوق تعاون قرض بين افرادي تشكيل شود كه داراي سطح درآمد يكساني هستند، مي‌توان انتظار داشت كه اثر آن به صورت افقي باشد. در واقع اين سيستم باعث مي‌شود، درآمدي كه در هر دوره به طبقات كم درآمد اختصاص مي‌يابد در اثر تبديل به كالاي با دوام در همان طبقه تثبيت شده و به طبقه ديگر منتقل نگردد.[٤٣]

اما صندوق‌هاي قرض‌الحسنه كه اثر طولي بر توزيع درآمد دارند و داراي سيستمي هستند كه در آن اغنيا قسمتي از اموال خود را جدا كرده و به فقرا اختصاص مي‌دهند همواره امكان استفاده بخشي از اموال اغنيا را به نيازمندان مي‌دهند. بنابراين در صورت استمرار فعاليت اين صندوق‌ها، جريان مداوم ثروت از اغنيا به نيازمندان و طبقات كم درآمد برقرار مي‌شود و در هر مقطعي مشاهده مي‌شود كه سهمي از درآمد ثروتمندان در اختيار نيازمندان قرار دارد؛ اگرچه در مقطع بعد بايد بازپرداخت شود. به اين ترتيب در هر دو نگرش كلان وضعيت توزيع درآمد به نفع طبقات پايين درآمدي رقم مي‌خورد؛ چراكه حتي در انتقال افقي

---

[٤٠] . همان، ص١٣٩.

[٤١] . مجيد حبيبيان نقي‌بي، «قرض الحسنه و راهبردهاي توسعه اقتصادي»، وزارت امور اقتصادي و دارايي، تهران ١٣٨٢، ص٧٨.

[٤٢] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، قرض‌الحسنه و اثرات اقتصادي آن، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي، قم ١٣٧٨، ص١٤٤.

[٤٣] . همان، ص١٤٤.

هم بهره‌مندي از آن گروه‌هاي پايين درآمدي است وگروه‌هاي پايين درآمدي هم طبقه از نظر درآمدي اين صندوق‌هاي تعاوني را جهت استفاده بهتر از منابع درآمدي تشكيل داده‌اند كه به تثبيت درآمد بين اين طبقات كمك مي‌كند.

قرض و مشخصات يك توزيع مطلوب

به طور كلي مي‌توان گفت قرض‌الحسنه شاخص‌هاي يك توزيع مطلوب را داراست و مي‌توان از آن به عنوان يك ابزار مناسب در توزيع درآمد براي جامعه اسلامي استفاده كرد؛ زيرا:

اولاً: قرض‌الحسنه برخلاف سياست‌هاي توزيع مجدد دولتي، انگيزه‌هاي تلاش براي توليد بيشتر و رشد را از بين نمي‌برد.[٤٤] سياست توزيع كمك هزينه‌هاي نقدي و كالايي در بين افراد فقير مي‌تواند در شرايطي كه اشتغال كامل وجود داشته باشد باعث افزايش افراد غير فعال و كاهش تعداد افراد فعال گردد.[٤٥] زيرا اين‌گونه كمك‌ها به افراد كمك مي‌كند كه دست از كار بكشند و هزينه خود را به هزينه‌هاي دولت تحميل نمايند. در حالي كه در قرض فرد خود را ملزم به پرداخت آن پس از پايان دوره قرض مي‌داند؛ بنابراين بر ميزان فعاليت خود براي بازپرداخت قرض در پايان دوره مي‌افزايد.

ثانياً: قرض پس از اعمال ساز و كار قيمت‌ها در محدوده توليدات مباح مطرح مي‌شود و بنابراين مانع عملكرد اين ابزار در اقتصاد جامعه نمي‌گردد.[٤٦]

ثالثاً: قرض‌الحسنه برخلاف ماليات‌ها سبب انتقال درآمد افراد به دولت نمي‌شود و تخصيص بهينه آن در جهت عدالت اجتماعي منوط به وجود برنامه‌هاي مناسب در چارچوب بودجه عمومي نيست.[٤٧] در واقع استفاده از قرض به جاي كمك‌هاي بلاعوض و سرمايه‌گذاري‌هاي كه توسط دولت انجام مي‌شود، مي‌تواند بستري مناسب براي بهره‌مندي از آثار مشاركت عمومي را فراهم آورد و به كاهش بار سنگين حضور دولت كمك كند. يكي از توجيهات حضور دولت در اقتصاد، تلاش در جهت حل نارسايي‌هاي ناشي از كاركرد بازار است اما ممكن است كه حضور بخش دولتي با نارسايي‌هايي همراه باشد. سوءاستفاده گروه‌هاي دولتي، بروزنتايج بهينه دوم، رانت طلبي، بروز برخي مفاسد نظير رشوه‌خواري، ناسازگاري اهداف با سياست‌ها و ابزارهاي مورد استفاده و حصول نتايج غير قابل پيش‌بيني در اثر دخالت دولت، از جمله اين نارسايي‌ها شمرده مي‌شود كه به عملكرد دولت و بودجه عمومي لطمه مي‌زنند.[٤٨] پياده سازي قرض‌الحسنه با برنامه‌هاي مدرن در اموري مشخص و با شرط‌هاي خاص مي‌تواند زمينه مشاركت عمومي و كاهش آثار سوء مداخله دولت در اقتصاد را به همراه داشته باشد. اما به طور معمول قرض‌الحسنه با

---

[٤٤] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، پيشين، ص٢٤٣.

[٤٥] . مهدي راهب، پيشين،ص ١٧٧.

[٤٦] . علي‌اصغر هادوي‌نيا، پيشين، ص٢٤٣.

[٤٧] . مجيد حبيبيان نقيبي، پيشين، ص٧٨.

[٤٨] . يدا... دادگر، اقتصاد بخش عمومي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم١٣٨٠، ص ٩٩-٩٨.

ريسك عدم بازپرداخت همراه است.[۴۹] بنابراين با توجه به وظيفه دولت در نظارت بر فعاليت‌هاي بخش خصوصي جهت اجراي احكام و جلوگيري از انحراف از اهداف اقتصادي[۵۰]، دولت مي تواند با دخالت در قرض‌الحسنه به عنوان يك نهاد ناظر و حامي حاضر باشد.

رابعاً: در قرض‌الحسنه توجه ويژه‌اي به توان اقتصادي افراد جامعه شده است و وظيفه تأمين نيازهاي جمعي زندگي افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض به صورت تدريجي نسبت به رفع نيازهاي هم و ايجاد توزيع مناسب‌تر درآمدها كمك كنند.

خامساً: از آن جايي كه «نياز» به عنوان يكي از اركان قرض‌الحسنه مطرح است، بنابراين در راستاي ايجاد زندگي متناسب و تأمين نيازهاي اساسي آحاد جامعه مناسب مي‌باشد.

جايگاه و عملكرد صندوق هاي قرض الحسنه در ايران

با توجه به مطالب گفته شده، جايگاه قرض الحسنه به عنوان يک نهاد در اقتصاد اسلامي كه مي تواند نقش مؤثري در توزيع متعادل درآمدها در جامعه داشته باشد مشخص شد. با توجه به برخورداري قرض الحسنه از اجر اخروي در قانون بانكداري بدون ربا جايگاه ويژه اي براي قرض الحسنه در نظر گرفته شده است. در جدول شماره (۱) ميزان تسهيلات اعطايي قرض الحسنه در سيستم بانكي سال هاي ۸۵-۱۳۶۳ نشان داده شده است. بر طبق اطلاعات جدول، حجم تسهيلات اعطايي قرض الحسنه در سال هاي ابتدايي اجراي قانون عمليات بانكي بدون ربا در حدود ۱۰ درصد كل تسهيلات را به خود اختصاص داده است كه سهم قابل توجهي است. اما با گذشت زمان و دور شدن از زمان تصويب قانون عمليات بانكي بدون ربا، اين سهم با كمي نوسان كاهش يافته و به حدود ۳/۴ درصد از مجموع تسهيلات اعطايي بانک ها كاهش يافته است. نرخ رشد تسهيلات قرض الحسنه نيز در برخي سال ها رقم قابل توجهي بوده و از نرخ رشد تورم فراتر بوده است اما در برخي سال ها نرخ رشدي كم تر از نرخ رشد تورم را تجربه كرده است. با اين وجود،ئ سهم اين منابع در سيستم مالي از پتانسيل با اهميتي برخوردار است كه مي تواند در دستيابي به اهداف ايجاد اين نهاد به كار گرفته شود. نكته اي كه وجود دارد اين است كه گروه‌هاي هدف اين نوع تسهيلات عموماً افراد و خانواده‌هاي فقير و كم درآمد را شامل مي‌شود بنابراين مي تواند تأمين كننده اصلي ترين هدف اين نهاد يعني تقويت شرايط مالي فقيرترين افراد جامعه توسط ساير اقشار باشد و بنابراين وضعيت توزيع درآمدها در كشور را بهبود بخشد.

---

[۴۹] . همان، ص۷۴.

[۵۰] .سيد حسين مير معزي، پيشين، ص ۱۹۳.

جدول شماره (۱): تسهيلات اعطايي بانكها و موسسات اعتباري غير بانكي به تفكيک عقود (ميليارد ريال)

سال	کل تسهيلات	قرض الحسنه	سهم قرض الحسنه از کل اعتبارات اعطايي (درصد)	نرخ رشد کل تسهيلات (درصد)	نرخ رشد تسهيلات قرض الحسنه (درصد)
1363	728.8	78.4	10.8	...	...
1364	1851.4	199.1	10.8	154.0	154.0
1365	2773.9	321.4	11.6	49.8	61.4
1366	3885.8	411.9	10.6	40.1	28.2
1367	5206.1	507.5	9.7	34.0	23.2
1368	7547.4	564.5	7.5	45.0	11.2
1369	11159.2	639.8	5.7	47.9	13.3
1370	16311.0	682.0	4.2	46.2	6.6
1371	21406.5	775.8	3.6	31.2	13.8
1372	27758.3	1288.7	4.6	29.7	66.1
1373	35598.9	1561.8	4.4	28.2	21.2
1374	43651.9	2048.0	4.7	22.6	31.1
1375	58013.1	2603.3	4.5	32.9	27.1
1376	71069.5	3271.1	4.6	22.5	25.7
1377	92787.0	5430.0	5.9	30.6	66.0
1378	134048.0	6100.0	4.6	44.5	12.3
1379	176907.5	7507.5	4.2	32.0	23.1
1380	237450.2	10643.8	4.5	34.2	41.8
1381	320796.2	23001.6	7.2	35.1	116.1
1382	442397.6	25794.9	5.8	37.9	12.1
1383	608407.5	28802.7	4.7	37.5	11.7
1384	832831.7	36580.9	4.4	36.9	27.0

1385	1179722.5	40082.5	3.4	41.7	9.6

مأخذ: بانک مرکزي جمهوري اسلامي ايران

ساماندهي صندوق هاي قرض الحسنه در جهت نيل به اهـداف توسـعه و گسـترش عـدالت اجتمـاعي در جامعه به شمار مي آيد. اما آن چه که اطلاعات مربوط به صندوق هاي قرض الحسنه در کشور نشـان مـي دهد اين است که اين نهاد به عنوان يک نهاد که مي تواند نقش مؤثري در ايجاد توازن در کاهش نـابرابري توزيع درآمد در جامعه ايفا کند؛ اما به دليل برخورداري از حجم کمي تسـهيلات قـرض الحسـنه و ارزش افزوده آن در مؤسسات غير دولتـي، نمـي تـوان آثـار قابـل ملاحظـه اي را از آن انتظـار داشـت. در ايـران مژسسات اعتباري با عنوان صندوق هاي قرض الحسنه يا سرمايه گذاري، بيشتر براي رفع مشـکلات مـالي نيازمندان، تشکيل شده است. طبق بررسي هاي انجام شـده تعـداد ايـن صـندوق هـا در سـال ۱۳۵۹، ۶۴۰ صندوق قرض الحسنه در سراسر کشور وجود داشته است که بـه ۱۲۲۹ صـندوق در سـال ۱۳۷۹ افـزايش يافته است. بر اساس اطلاعاتي که از طرح آمارگيري از صندوق هـاي قـرض الحسـنه در سـال ۱۳۸۴ بـه دست آمده است در اين سال مجموع ارزش افزوده صندوق هاي قرض الحسنه براي کل کشور در حـدود 792176 ميليون ريال (در حدود ۰/۰۴ درصد از کل ارزش افزوده کشور) به دست آمده است. با توجه به ارتباط مستقيمي که ارزش افزوده اين صندوق ها با ميزان تسهيلات پرداختي آن ها مي تواند داشته باشد و همچنين سهم اندکي که ارزش افزوده صندوق هاي قرض الحسنه به خود اختصاص داده است؛ نمي تـوان تأثيرگذاري قابل توجهي بر توزيع درآمدهاي کشور را از صندوق هاي مذکور انتظـار داشـت. امـا بـا ايـن وجود شايد بتوان با بررسي چگونگي توزيع صندوق هيا قرض الحسنه و ميزان عملکرد آن هـا، بـه نـوعي ارتباط بين صندوق هاي مذکور و توزيع درآمد در مناطق مختلف کشور پي برد.

بر اساس اطلاعات درصد توزيع ارزش افزوده صندوق هاي قرض الحسنه بين استان هـاي کشـور، اسـتان هاي خراسان رضوي با ۲۹/۸ درصد، استان تهران با ۲۴/۱ درصد، استان مازندران با ۱۲/۱ درصد، کرمان بـا ۸/۸ درصد و اصفهان با ۷/۶ درصد از کل ارزش افزوده صندوق هاي قرض الحسـنه کـل کشـور در سـال ۱۳۸۴ رتبه هاي اول تا پنجم را به خود اختصاص داده انـد. از سـوي ديگـر مشـاهده مـي شـود کـه طبـق اطلاعات جدول شماره (۲) از ميان پنج استان پيش گفته، استان هاي تهران، خراسان رضوي و اصـفهان بـه ترتيب با درآمد سرانه ۱۳۲۰۸، ۵۵۰۴ و ۴۴۸۶ هزار ريال در سال ۱۳۸۴، بيشترين ميزان درآمد سرانه در بين استان هاي کشور را به خود اختصاص داده اند. لذا مي توان نتيجه گرفت که نـوعي ارتبـاط مسـتقيم ميـان توزيع درآمدها و عملکرد صندوقهاي قرض الحسنه در کشور وجود دارد.

جدول شماره (۲): ارزش افزوده صندوق‌هاي قرض‌الحسنه به تفكيك استان: ۱۳۸٤

استان	ارزش افزوده (ميليون ريال)	سهم هر استان از كل ارزش افزوده صندوق هاي قرض الحسنه (درصد)	سهم قرض الحسنه از ارزش افزوده كل(درصد)	درآمد سرانه(هزار ريال)
كل كشور	۷۹۲۱۷٦	**100**	**0.04**	**69368**
آذربايجان شرقي	۲٤٥۳۷	**3.1**	**0.04**	**3546**
آذربايجان غربي	۳۰٤۷	**0.4**	**0.01**	**2827**
اردبيل	۲۳٥۷	**0.3**	**0.01**	**1209**
اصفهان	٦۰٤٤٥	**7.6**	**0.05**	**4486**
ايلام	٤۳۷	**0.1**	**0.002**	**537**
بوشهر	٤۸۰٤	**0.6**	**0.01**	**872**
تهران	۱۹۱۰۳٥	**24.1**	**0.04**	**13208**
چهار محال و بختياري	٤۹۸۷	**0.6**	**0.04**	**844**
خراسان جنوبي	۱٤۲٤٦	**1.8**	**0.16**	**626**
خراسان رضوي	۲۳٥۹۱۱	**29.8**	**0.26**	**5504**
خراسان شمالي	۸٦۲۷	**1.1**	**0.07**	**799**
خوزستان	۱۰۸۳۸	**1.4**	**0.004**	**4207**
زنجان	۲٤٦۲	**0.3**	**0.01**	**949**
سمنان	٤۱۷۱	**0.5**	**0.03**	**580**
سيستان و بلوچستان	۱۹٤٤	**0.2**	**0.01**	**2367**
فارس	۱۲۲۳٦	**1.5**	**0.02**	**4267**
قزوين	۳۰۷۱	**0.4**	**0.01**	**1125**
قم	۲٦٥۷	**0.3**	**0.01**	**1030**
كردستان	۳۹۹۷	**0.5**	**0.02**	**1417**
كرمان	٦۹۹۱۸	**8.8**	**0.14**	**2610**
كرمانشاه	۲۲۹٥	**0.3**	**0.01**	**1849**
كهگيلويه و بويراحمد	۲۷۲	**0.01**	**0.000**	**624**
گلستان	۱۱۷۰٤	**1.5**	**0.05**	**1591**
گيلان	۱۸۸۱	**0.2**	**0.005**	**2366**
لرستان	۱٥۲۰	**0.2**	**0.01**	**1689**
مازندران	۹٦۰۲۱	**12.1**	**0.15**	**2876**

مرکزي	۳۹۱۵	0.5	0.01	1330
هرمزگان	۱۲۳۸	0.2	0.004	1381
همدان	٤٨٠٧	0.6	0.02	1676
يزد	٦٧٩٤	0.9	0.03	975

مأخذ: مرکز آمار ايران

در ارتباط با نحوه توزيع صندوق هاي قرض الحسنه نيز مي توان گفت که بر اساس طرح آمارگيري صندوق هاي قرض الحسنه که در سال ۱۳۸۰ انجام شده است، در سال ۱۳۷۹ تعداد ۱۲۲۹ صندوق قرض الحسنه در سراسر کشور مشغول فعاليت بوده اند (جدول شماره ۳) که از ميان استان هاي اصفهان و تهران داراي بيشترين تعداد صندوق هاي قرض الحسنه در سطح کشور مي باشند که در همان سال بيشترين ميزان درآمد سرانه در ميان استان هاي کل کشور را به خود اختصاص داده اند بنابراين مي توان به نوعي رابطه مثبت ميان توزيع صندوق هاي قرض الحسنه و توزيع درآمدها در سطح کشور پي برد.
به نظر مي رسد براي تأثيرگذاري بيشتر اين صندوق ها و اعتبارات پرداختي آن ها بر توزيع درآمدها و استفاده مطلوب از کارکرد اين صندوق ها در کشور، ضروري است به گسترش اين کمي و کيفي و حجم تسهيلات پرداختي اين صندوق ها در سطح استان هاي کشور، به خصوص استان هاي با سطح درآمد سرانه کم تر توجه ويژه اي گردد.

جدول شماره (۳): تعداد و درصد صندوق هاي قرض الحسنه به تفکيک استان: ۱۳۷۹							
شرح	کل کشور	اصفهان	تهران	مازندران	خراسان	فارس	ساير استان ها
تعداد	**1229**	**369**	**192**	**181**	**96**	**43**	**348**
درصد	**100**	**30**	**15/6**	**14/7**	**7.8**	**3.5**	**28.4**
مأخذ: مرکز آمار ايران (۱۳۸۰)							

۵ـ خلاصه و نتيجه‌گيري

قرض‌الحسنه يکي از ابزارهاي مناسبي است که در نظام اقتصادي اسلام جهت تحقق روش تکلي «حرمت ربا» در نظر گرفته شده است. با وجود اين که انتقال ملکيت در آن رايگان نيست، طلب سود در قرض جايگاهي ندارد و با ماهيت آن ناسازگار است. بنابراين قرض‌الحسنه با انتقال دوره‌اي درآمدها از ثروتمندان به نيازمندان و عدم درخواست سود منافعي را براي نيازمندان به دنبال خواهد داشت و وضعيت توزيع درآمد را دست خوش تغير قرار خواهد داد. قرض‌الحسنه با اثرگذاري طولي که خواهد داشت علاوه بر تأمين نيازهاي اساسي با تغير الگوي توليد، ايجاد اشتغال و کاهش انحصارات آثار ثانويه‌اي خواهد داشت که در جهت برابر سازي توزيع درآمد عمل خواهد کرد. با اين وجود از بين بردن فقر در جامعه اسلامي و

تعديل توزيع درآمدها به حجم قرض‌الحسنه و گسترش آن در جامعه اسلامي و شدت فقر و نابرابري بستگي دارد.

آنچه كه در قرض‌الحسنه اهميت فراوان دارد خصوصي بودن آن و حركت خود جوش مردم ودر زمينه رفع نيازهاي ضروري يكديگر و كاهش عدم توازن در جامعه اسلامي مي‌باشد و براي حفظ قرض‌الحسنه به عنوان نهادي كه ويژگي‌هاي يك توزيع مطلوب را داراست دخالت دولت بايد صرفاً در زمينه هدايت تقويت انگيزه‌ها و فراهم ساختن زمينه مشاركت هر چه بيش‌تر مردم صورت گيرد.

بررسِي عملكرد نهاد قرض الحسنه در سطح تسهيلات بانک ها نشان مِي دهد كه سهم تسهيلات قرض الحسنه از كل تسهيلات اعطاِيي بانک ها در سال هاِي پس از اجراِي قانون عمِليات بانكِي بدون ربا روندِي كاهشِي داشته است و توجه كم تري به گسترش ِاين نهاد در دسترسِي به اهداف قانون عمِليات بانكِي بدون ربا شده است اما با ِاين وجود با توجه به حجم قابل تسهيلات مذكور، چنانچه نظام تخصِيص تسهيلات قرض الحسنه به درستِي صورت پذِيرد مِي تواند در جهت اهداف بهبود توزِيع درآمدها در جامعه عمل كند. نتِايج بررسِي ها در خصوص عملكرد صندوق هاِي قرض الحسنه نِيز نشان مِي دهد كه حجم تسهيلاتِي كه ِاين صندوق ها در اختِيار افراد جامعه قرار مِي دهند كم تر از تسهيلات اعطاِيي بخش دولتِي مِي باشد اما با توجه به انگِيزه خِيرخواهانه و داوطلبانه بودن آن و امكان ِاين صندوق ها در تخصِيص بهتر منابع بِين نِيازمندان جامعه، در دستيابي به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون كشور و كاهش فقر خانوارهاي كم درآمد و محروم نقش به سزاِيي داشته باشند.

در مجموع قرض‌الحسنه مي‌تواند به عنوان ابزار مفيدي در راستاي تحقق اهداف توزيعي و فقر زدايي عمل كند و به همين دليل مي‌توان آن را سازگار با اهداف توزيعي جامعه اسلامي دانست.

فهرست منابع:

۱. ابريشمي، حميد، اقتصاد ايران، چاپ اول: علمي و فرهنگي، تهران ۱۳۷۵.
۲. ابوالفتحي قمي، ابوالفضل، درآمدي بر شناخت شاخص‌هاي نابرابري درآمد و فقر، مركز آمار ايران، تهران، ۱۳۷۱.
۳. افتخاري، عبدالرضا ركن‌الدين و عينالي، جمشيد، «ارزيابي اعتبارات خرد بانك كشاورزي در توسعه اقتصاد روستايي (مطالعه موردي شهرستان خدابنده)»، فصلنامه پژوهش‌هاي بازرگاني، ش ۳٤، بهار ۱۳۸٤ش.
۴. اكبريان، رضا، «تحليل از مفاهيم بهره و سپرده‌گذاري در اقتصاد اسلامي» *مجموعه مقالات سومين همايش دو سالانه اقتصاد اسلامي*، دانشگاه تربيت مدرس، تهران۱۳۸۲.
۵. اقبال، منوّر، «بانكداري اسلامي» *درس‌هايي در اقتصاد اسلامي*، ترجمه مجيد حبيبيان نقيبي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم۱۳۸۴.
۶. بانک مركزي جمهوري اسلامي ايران، اداره اطلاعات سري زماني.

۷. بختياري، صادق، تحليلي از توزيع درآمد با استفاده از روش پارامتريك، چاپ اول: معاونت امور اقتصادي وزارت امور اقتصادي و دارايي، تهران ۱۳۸۲.
۸. بناء رضوي، مهدي، طرح تحليلي اقتصاد اسلامي، چاپ اول: بنياد پژوهش‌هاي اسلامي آستان قدس رضوي، مشهد۱۳۶۷.
۹. توتونچيان، ايرج، پول و بانكداري اسلامي و مقايسه آن با نظام سرمايه‌داري، چاپ اول: توانگران، تهران ۱۳۷۹.
۱۰. جعفري صميمي، احمد، اقتصاد بخش عمومي (۱)، چاپ پنجم: سمت، تهران ۱۳۸۱.
۱۱. چپرا، محمد عمر، دولت رفاه و نقش آن در اقتصاد، ترجمه محمد جواد مهدوي، چاپ اول: آستان قدس رضوي، مشهد۱۳۷۴.
۱۲. حبيبيان نقيبي، مجيد ، قرض‌الحسنه و راهبردهاي توسعه اقتصادي، چاپ اول: معاونت امور اقتصادي وزارت امور اقتصادي و دارايي، تهران ۱۳۸۲.
۱۳. حسن زاده، عِلي، علاء الدِين ازوجِي و صالح قويدل، «بررسي آثار اعتبارات خرد* در كاهش فقر و نابرابري‌هاي درآمدي»، فصلنامه اقتصاد اسلامِي، ش ۲۱.
۱٤. دادگر، يدا...، اقتصاد بخش عمومي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم۱۳۸۰.
۱۵. راهب، مهدي، تأمين اجتماعي، چاپ پنجم: دانشگاه امام رضا(ع)، مشهد۱۳۷۷.
۱۶. صدر، سيد محمد باقر، اقتصاد ما، ترجمه محمد كاظم موسوي، ج ۱، چاپ اول، ۱۳۵۹.
۱۷. طاهر، سعيد، «توزيع در اسلام» *درس‌هايي در اقتصاد اسلامي*، ترجمه محمد رضا يوسفي، چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم ۱۳۸۴.
۱۸. عزتي، مرتضِي، «عوامل مؤثر بر استفاده افراد از پول براي كسب سودِ يا اعطاِي قرض الحسنه»، *مجموعه مقالات همايش قرض الحسنه؛ چالش ها و فرصت ها*، دانشگاه مازندران، مازندران، ۱۳۸۴.
۱۹. قحف، منذر، «نقش اقتصادي دولت در اسلام» *درس‌هايي در اقتصاد اسلامي*، ترجمه محمد تقي گيلك حكيم آبادي،چاپ اول: دانشگاه مفيد، قم ۱۳۸۴.
۲۰. كرويتس، هلموت، پول، بهره، بحران‌هاي اقتصادي ــ اجتماعي، ترجمه حميد رضا شهميرادي، چاپ اول: كانون انديشه جوان، تهران۱۳۷۸.
۲۱. كميجاني، علي‌اكبر و علي‌اصغر هادوي‌نيا، «درآمدي بر جايگاه قرض‌الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادي آن»، مجله نامه مفيد، ش ۱۴.
۲۲. گريفين، كيت و تري مك‌كنلي، توسعه انساني (ديدگاه و راهبرد)، ترجمه غلام رضا خواجه پور، چاپ اول: وداد، تهران۱۳۷۷.

* Micro credit.

۲۳. لوكايون، ژاك و ديگران، بررسي تحليلي توزيع درآمد و توسعه اقتصادي، ترجمه احمد اخوي، چاپ اول: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌هاي بازرگاني، تهران ۱۳۷۳.
۲۴. مركز آمار ايران، طرح آمارگيري از صندوق هاي قرض الحسنه، سال هاي ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱.
۲۵. منتظر ظهور، محمود، اقتصاد، چاپ هفتم: دانشگاه تهران، تهران۱۳۷۶.
۲۶. موسويان، سيد عباس، «بهره بانك‌هاي دولتي»، مجله نامه مفيد، ش۱۴.
۲۷. موسويان، سيد عباس، «طرحي براي ساماندهي صندوق‌هاي قرض‌الحسنه»، مجله اقتصاد اسلامي، ش۱۶.
۲۸. ميرمعزي، سيد حسين، «ترسيم نظام اقتصادي اسلام براساس مكتب اقتصادي آن»، مجله نامه مفيد، ش۱۴.
۲۹. نيلي، مسعود، اقتصاد ايران، چاپ اول: مؤسسه عالي پژوهش در برنامه‌ريزي و توسعه، تهران۱۳۷۶.
۳۰. هادوي‌نيا، علي‌اصغر، قرض‌الحسنه وآثار اقتصادي آن، چاپ اول: پژوهشگاه فرهنگ و انديشه اسلامي، قم ۱۳۷۸.
۳۱. هادوي‌نيا، علي‌اصغر، «ارزيابي عملكرد صندوق‌هاي قرض‌الحسنه در ايران» *مجموعه مقالات سومين همايش دو سالانه اقتصاد اسلامي*، دانشگاه تربيت مدرس، تهران ۱۳۸۲.